



نمونه های بارزی از علم و قدرت خدا

۲۹ - الم تر ان الله يولج الليل في النهار و يولج
النهار في الليل و سخر الشمس و القمر كل يجرى الى
اجل مسمى و ان الله بما تعملون خبير

: آیات نامی بینید که خداوند شب را در روز ، و روز را در شب وارد
میکند (از یکی میکاهد و بدیگری میافزاید) ، و آفتاب و ماه را
رام کرده و هر کدام بمدت معینی بسیر خود ادامه میدهد . خداوند از
اعمال شما آگاه است .

۳۰ - ذلك بان الله هو الحق و ان ما يدعون من دونه
الباطل و ان الله هو العلي الكبير

: (این نظام بدیع) از خداوند است که حق مطلق است (وفناء
و زوال و ناتوانی و نقص با و راه ندارد) و غیر او آنچه را میخوانید
باطل است ، خدا والا و بزرگ است .

هدف این آیه ها چیست ؟

هدف این آیات دو موضوع است :

- ۱ - در آیه های گذشته سخن درباره علم و قدرت بی پایان آفریدگار جهان بود ، و
قرآن خداوند جهان را چنین معرفی کرد که او علم و قدرت بی پایانی دارد ، اکنون بمنوان نمونه
بشر را به برخی از موجودات زمینی و گیاهی و حوادث طبیعی متوجه ساخته ، تا از طریق تدبیر در
آنها این گفتار محسوس و مشاهده گردد .

۲ - چنانکه در آغاز تفسیر سوره گفته شد یکی از اهداف این سوره مبارزه با شرک و بت-پرستی است ، باین معنی که بتها نه تنها آفریدگار جهان نیستند بلکه شایستگی کوچکترین-ستایش و بندگی را ندارند و خداوند است که شایسته ستایش است . و این هدف با بیان نمونه‌های بارزی از علم و قدرت او عملی میگردد ، زیرا یک فرد متفکر در آیات و مخلوقات الهی میفهمد که شایسته ستایش فقط و فقط آن منبع قدرت و مرکز علم و کمال و جلال است ، نه این بت‌های چوبی و فلزی که کوچکترین قدرت دفاع و شعور و وحس ندارند .

- لذا - پس از بیان یک سلسله شواهد (اختلاف شب و روز ، رام شدن ماه و خورشید و...) در آیه ۳۰ چنین نتیجه میگیرد : **ذَٰلِكَ بَانَ اللّٰهُ هُوَ الْحَقُّ وَاَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِ الْبَاطِلِ** یعنی: این مظاهر علم و قدرت از آن خدائی است که حق مطلق است ، یعنی زوال و فناء ندارد ، عاجز و ناتوان نیست ، محدودیتی از ناحیه علم و قدرت در آنجا نیست پس شایسته پرستش او است نه غیر او که عاجز و ناتوانند و باطل و فناپذیرند .

مظاهر قدرت و علم بی پایان

۱ - اختلاف شب و روز که در طول سال همواره از یکی کاسته و بدیگری افزوده میشود ، یکی از بدایع نظام جهان آفرینش است ، و سرچشمه آن بطور مسلم علم و قدرت عظیم و بی پایان است . و از نظر علمی عامل آن ، حرکت زمین بدور خود و خورشید و مایل بودن محور آن نسبت بمدار آن است ، اینک توضیح هر دو مطلب :

الف - زمین در هر بیست و چهار ساعت یکبار بدور خود میگردد ، و علت پیدایش شب و روز همین گردش وضعی است ؛ زیرا در پرتو حرکت ؛ همواره نصف زمین یا کمی بیشتر ، رو به آفتاب است ، و اشعه خورشید آنرا روشن و حالت روز را پدید میآورد ، و آن نصف کمتر همیشه پشت بافتاب و در سایه مخروطی شکلی فرورفته ، و حالت شب را پدید میآورد .

ب : زمین در طی یکسال خورشیدی در مدار مینمی بدور خورشید میگردد ، ولی محور زمین (خط موهومی که از مرکز زمین گذشته و دو قطب شمال و جنوب را بهم وصل میکند) نسبت بمدار زمین (مسیر گردش زمین بدور آفتاب) عمودی نیست بلکه زمین در زاویه ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه ای قرار گرفته است ، و بهمان نسبت محور زمین بمدار آن انحراف دارد .

دو نقطه از اختلاف شب و روز یعنی کوتاهی و بلندی مستثنی است ، یکی نقاط استوائی که شبانه روز در آنجا یکسان و تقریباً ۳۶۵ شب و روز دارند ، دیگری مناطق قطبی که شب و روز در آنجا یکسان است . ولی هر موقع در قطب شمال روز باشد در قطب جنوب شب است و بالعکس ، و در غیر این نقاط اختلاف شب و روز دائمی است ، و کوتاهی و بلندی آنها بر حسب دوری و نزدیکی

آنها از خط استواء و قطب شمال و جنوب می‌باشد .

تأثیر اختلاف شب و روز در حفظ حیات

اختلاف شب و روز اثر عمیقی در حفظ حیات و پرورش انواع گیاهان دارد ، زیرا هر قدر از منطقه استوا بسوی «قطب» پیش می‌رویم تأثیر تابش آفتاب کمتر می‌گردد و با این حال اگر مقدار شب و روزه هواره یکسان باشد مقدار حرارت لازم برای پرورش گیاهان در فصل بهار و تابستان با آنها نمی‌رسد ، ولی با طولانی شدن روزها این مطلب جبران شده حرارت لازم تأمین می‌گردد .

قابل توجه اینکه این تغییر بطور تدریجی (که برای نه و تدریجی گیاهان لازم است) صورت می‌گیرد و لذا هیچگونه عکس العمل نامطلوبی نه در حیات انسان و حیوانات و نه در گیاهان ایجاد نمی‌کند ، بلکه تدریجاً از یک مرحله وارد مرحله دیگر میشوند .

۴ - تسخیر خورشید و ماه

آفتاب که کانون نور و کوره آتشی است ، حجم آن یک میلیون و سیصد و سی هزار برابر کره مسکونی ما است ، در حالی که زمین تقریباً پنجاه برابر ماه است . از این کوره در خشان هر روز ۳۵۰۰۰۰ میلیون تن به حرارت و انرژی تبدیل می‌شود ، باید وزن آن چقدر باشد که کاسته شدن عدد فوق اثر محسوسی در آن نگذارد ، درجه گرمای سطح خارجی خورشید تقریباً ۱۱۰۰۰ درجه فارنهایت است ، ولی حرارت مرکزی آن به ۷۰ میلیون درجه فارنهایت تخمین زده می‌شود . (۱)

ماه

در قدرت این موجود زیبا و در خشان کافی است ، که هر شبانه روز دو مرتبه تولید جزر و مد می‌کند و از این طریق باغها و اراضی زراعتی سواحل دریا سیراب می‌گردند ، جزر و مد دریا در پاره‌ای از نقاط به ۶۰ پامیرسد ، قشر خاکی زمین هر روز بر اثر جاذبه ماه دو مرتبه چند اینچ کشیده می‌شود ، این قدرت ماه است که آب دریاها را بالا می‌برد ، و زمین را با این صلابت و سختی خم می‌کند .

منافی که از طریق خورشید و ماه که خداوند آنها را بنفع انسان مهار نموده ، عائد بشر می‌گردد بیش از حد و شمار است ، و مقاله گنجایش بسط و شرح این قسمت ندارد . و بطور

(۱) این واحد درجه حرارت از نام «فارنهایت» فیزیکدان آلمانی مبتکر این درجه بندی گرفته شده است ، در میزان الحرارة فارنهایت نقطه یخ بستن آب ۳۲ و نقطه بجوش آمدن ۲۱۲ است .

قطع باید اذعان کرد که مهار نمودن این دو منبع قدرت ، نشانه بارز است که این جهان آفریدگاری داردانا و توانا ، که علم و قدرت او بی پایان است .

نکات ۱- آیه های ۲۹ و ۳۰ با مختصر تفاوتی در سوره های حج طی آیه های ۶۱ - ۶۲ نیز وارد گردیده است ۲- سروگردش خورشید و ماه مدت معینی دارد ، و تارویست که این منظومه شمسی باقی باشد ، هنگامیکه این نظام شمسی بهم خورد ، سروگردش آنها ، بسان اجسام آنان از بین میرود ، و این حقیقت در بسیاری از آیات بطور صریح گفته شده از آن جمله آیه زیر است :

﴿ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ﴾ (روم - ۸)

و اما آسمانها و زمین و آنچه را در بالای آنهاست از روی حقیقت و غرض صحیح ، و محدود بدخدا خاضی آفریده ایم و اجل در اصطلاح قرآنی همان مدت معینی است که برای حیات و یا استمرار و بقا موجودی در نظر گرفته شده ، و مسمی بمعنای نامیده و معین شده ، یعنی اجلی که خداوند برای آنها معین کرده است .

البته نسبت دادن سیر و گردش بخورشید در این آیه منافات ندارد ، که خورشید مرکز ثابت سیارات باشد ! زیرا آفتاب با حفظ این موقعیت ، علاوه بر حرکت وضعی با مجموع سیارات و اقمار خود بسوی نقطه نامعلومی در سیر و گردش است و مشروح این قسمت را در کتابهای هیئت میخوانید و دانشمندان میگویند : مثل خورشید در حرکات دستجمعی بسان مادر است که در یک بیابان غیر متناهی دست فرزندان خود را گرفته ، بدون در نظر گرفتن پناهگاه معینی در حرکت و گردش باشد .

غفلت و بی خبری

علی علیه السلام می فرماید :

﴿ وَبَلِّغْ لِمَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْعَقْلَةُ فَتْسَى الرَّحْلَةَ وَلَمْ يَسْتَعِدَّ ﴾

: وای بر کسیکه غفلت بر او غلبه کند پس کوچ کردن

از دنیارا فراموش کرده ، خود را برای عالم آخرت آماده نکند .

« غرر الحکم »